



الگوی مدیریت سود با استفاده از راهبردهای دارایی مالیات انتقالی و بدهی مالیات انتقالی

وحید توسلی^۱

بداله تازی وردی^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۶

چکیده

بر اساس تئوری نمایندگی، دولت و بنگاه‌های تجاری از نظر پرداخت مالیات منافع متفاوتی دارند. انگیزه استفاده از دارایی و بدهی مالیات انتقالی برای شناسایی مدیریت سود این است که معمولاً اختیار بیشتری در اصول پذیرفته شده حسابداری نسبت به قوانین مالیاتی وجود دارد. مدیران ممکن است انگیزه‌ای برای افزایش سود در صورتهای مالی بدون افزایش سود در گزارش مالیاتی داشته باشند. دلیل احتمالی که مدیران نمی‌خواهند سود مشمول مالیات را افزایش دهند این است که این امر منجر به افزایش هزینه‌های مالیاتی خواهد شد. بنابراین یکی از مواردی که احتمالاً بر مدیریت سود تأثیر گذار است مالیات‌های انتقالی است. هدف پژوهش بررسی این موضوع است که آیا مالیات‌های انتقالی ناشی از صورت‌های مالی گزارش شده بر اساس استاندارد حسابداری ۳۵ به عنوان راهبردی برای مدیران جهت دستیابی به مدیریت سود می‌باشد یا خیر. برای دستیابی به هدف پژوهش، داده‌های ۱۶۹ شرکت نمونه از بورس اوراق بهادار تهران، با استفاده از رویکرد حذف سیستماتیک گردآوری شد و به شیوه تحلیل توصیفی-همبستگی با اجرای آزمون رگرسیون لجستیک تجزیه و تحلیل گردید. یافته‌ها نشان داد که دارایی مالیات انتقالی بر مدیریت سود تأثیر دارد ولی بدهی مالیات انتقالی بر مدیریت سود تأثیری ندارد. نتایج بدست آمده نشانگر این است که مدیران جهت دستکاری سود از دارایی‌های مالیات انتقالی بهره می‌گیرند.

واژه‌های کلیدی: مدیریت سود، دارایی مالیات انتقالی، بدهی مالیات انتقالی.

۱ گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران، Acc.Vahid.T@Gmail.Com

۲ گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، Tariverdi76@yahoo.com



۱- مقدمه

رابطه بین گزارشگری مالی و مالیات بر درآمد شرکت پیچیده است. اهداف گزارشگری مالی و مالیاتی متفاوت است و هر دو به شرایط محیطی بستگی دارند. در حالی که هدف گزارشگری مالی بر گزارش دهی منصفانه به استفاده کنندگان صورتهای مالی متمرکز است، به این معنی که نتایج گزارش های مالی نباید بیش از اندازه برآوردی باشد، از سوی بنگاه های تجاری تلاش هایی برای به حداقل رساندن مبنای مالیات بر درآمد وجود دارد. با توجه به این حقایق سود یا زیان گزارش شده مالی می تواند با میزان سودی که مبنای مالیات بر درآمد است متفاوت باشد. میزان تفاوت به رابطه بین سیستم مالیاتی و سیستم گزارشگری مالی در یک کشور خاص بستگی دارد. تفاوت میان میزان سود پایه مالیات و سود یا زیان گزارش شده را می توان به عنوان تفاوت دائمی یا موقتی توصیف کرد. تأثیر تفاوت های دائمی (به صورت کاهش یا افزایش سود مشمول مالیات نسبت به سود گزارش شده) قطعی است. تفاوت های موقتی باعث ایجاد یک دسته حسابهایی به نام مالیات انتقالی^۱ می شود. مالیات انتقالی این واقعیت را برجسته می کند که قوانین مالیات و گزارشگری مالی در اکثر کشورها متفاوت است. هزینه مالیات کل، شامل مالیات جاری^۲ و مالیات انتقالی^۳ است که در اندازه گیری سود خالص حسابداری برای یک دوره محاسبه می شود. مالیات جاری مبلغ برآورد مالیات بر درآمد مشمول مالیات در سال یا دوره مالیاتی جاری است، در حالی که مالیات انتقالی مبلغ مالیات بر درآمد قابل پرداخت برای دوره های آتی در نتیجه تفاوت های مشمول مالیات موقت است. از اینرو مالیات انتقالی به دلیل تفاوت میان استانداردهای حسابداری مالی و مقررات مالیاتی رخ می دهد، به طور کلی نیز بین سود قبل از مالیات حسابداری و سود مشمول مالیات تفاوت وجود دارد. بنابراین، بین هزینه مالیات و مالیات قابل پرداخت نیز تفاوت وجود خواهد داشت (زاین، ۲۰۰۷). به گفته بوناکا (۲۰۱۹)، "هزینه (بدهی) مالیات انتقالی هزینه ای است که به دلیل تفاوت های موقتی بین سود حسابداری (سود در صورت های مالی برای اهداف برون سازمانی) با سود مالیاتی حاصل می شود (سود مبنای محاسبه مالیات قابل پرداخت شرکت). به باور مولیانی (۲۰۱۸)، "هرچه هزینه (بدهی) مالیات انتقالی شرکت کاهش یابد، احتمال اینکه شرکت مدیریت سود داشته باشد کمتر است. این بدان معناست که هزینه مالیات انتقالی بر مدیریت سود تأثیر می گذارد، از اینرو هرچه هزینه مالیات پرداختی کمتر باشد، سود خالص بیشتری نیز ایجاد می شود." دارایی های مالیات انتقالی^۴ هنگامی شناسایی می گردد که سود قبل از کسر مالیات دفتری از سود قابل کسر بر مبنای قوانین مالیاتی کمتر باشد، به این معنی که هزینه مالیات در دفاتر کمتر از مالیات قابل پرداخت خواهد بود. (زاین، ۲۰۰۷). به باور فیلیپس و همکاران (۲۰۰۳) نخستین دلیل در سودمندی مالیات های انتقالی در شناسایی مدیریت سود این است که

- 1- Deferred Tax
- 2- Current Tax
- 3- Deferred Tax
- 4- Deferred Tax Assets

براساس اصول عمومی پذیرفته شده حسابداری در مقایسه با قوانین و مقررات مالیاتی، اختیار بیشتری به مدیریت داده می‌شود (هانلون و شولین، ۲۰۰۵). دلیل دوم این است که مدیران ممکن است انگیزه ای برای افزایش سود در صورت های مالی بدون افزایش سود در گزارش مالیاتی داشته باشند. دلیل احتمالی که مدیران نمی‌خواهند سود مشمول مالیات را افزایش دهند این است که این امر منجر به افزایش هزینه های مالیاتی خواهد شد. شکاف فزاینده بین این دو گزارش، منجر به افزایش مبلغ مالیات انتقالی در ترازنامه مالی می‌شود. بسیاری از افراد مدیریت سود را کلاهبرداری توسط مدیران تعریف می‌کنند، برخی افراد آن را به عنوان یک فعالیت عادی تعریف می‌کنند زیرا تا زمانی که مدیر هنوز از الگوی حسابداری پذیرفته شده عمومی استفاده می‌کند، نمی‌توان مدیریت سود را به عنوان کلاهبرداری دسته بندی کرد. تاکنون مدل مبتنی بر ارقام تعهدی به عنوان مدلی پذیرفته شده است که بهترین نتیجه را در شناسایی مدیریت سود دارد، زیرا مدل حسابداری با مبنای تعهدی مطابقت دارد. افزون بر این، از ارقام تعهدی برگرفته از کلیه اجزای صورت های مالی برای شناسایی مهندسی مالی استفاده می‌کنند، زیرا ارقام تعهدی در هر بخش صورت های مالی بدون استثنا وجود دارد (سیهومبینگ و همکاران، ۲۰۲۰).

از دهه ۱۹۸۰ الزامات افشای مالیاتهای انتقالی بطور قابل توجهی در GAAP¹، IFRS/IAS² و استانداردهای حسابداری ملی افزایش یافته است. جدیدترین مورد اصلاح استانداردهای حسابداری ملی در ایران استفاده از استاندارد ۳۵ حسابداری می‌باشد که برگرفته از استانداردهای بین المللی حسابداری است و به طور قابل توجهی الزامات شناسایی و افشای اطلاعات را برای مالیات های انتقالی شرکت ها افزایش می‌دهد. تصویب استاندارد حسابداری ۳۵ تأثیرات مستقیمی بر صورت های مالی گزارش شده دارد. استاندارد ۳۵ نیاز دارد عواقب مالیاتی کلیه معاملات در صورتهای مالی شناسایی و در گزارش های مالی افشا شود. بررسی استراتژی های مالیاتی و بررسی تأثیر احتمالی فلسفه مالیاتی استاندارد ۳۵ بر تصمیمات بنگاه های اقتصادی می‌تواند جالب توجه باشد. اگر گزارش مالیات بر اساس این استاندارد، اطلاعات مربوط به ارزش را منتقل کند و به عنوان ابزاری برای مدیران برای برقراری ارتباط و یا پنهان کردن انتظارات استفاده شود، سرمایه گذاران باید برای دستیابی به اهداف اقتصادی، رویه های حسابداری بنگاه ها را به دقت ارزیابی کنند. در این پژوهش به دنبال شواهد تجربی برای بررسی این موضوع هستیم که آیا تدوین گزارشگری مالی بر اساس استاندارد حسابداری ۳۵ اطلاعاتی درباره مدیریت سود واحدهای تجاری فراهم می‌کند؟ انگیزه استفاده از دارایی و بدهی مالیات انتقالی برای شناسایی مدیریت سود این است که به طور معمول اختیار بیشتری در اصول پذیرفته شده حسابداری نسبت به قوانین مالیاتی وجود دارد. این فرض وجود دارد که مدیران از چنین اختیاری برای مدیریت سود و به شیوه هایی که تأثیری بر سود مشمول مالیات جاری ندارد، استفاده خواهند نمود.

1- Generally Accepted Accounting Principles

2- International Financial Reporting Standards/ International Accounting Standards

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

سود حسابداری بر پایه صورتهای مالی به ندرت با سود مشمول مالیات همسویی دارد و نادیده گرفتن تفاوت این دو سود نادرست خواهد بود. سود حسابداری همان سود خالص قبل از مالیات برای یک دوره است که در صورت سود و زیان گزارش شده است. سود مشمول مالیات، سودی است که مالیات بر درآمد آن قابل پرداخت است و با استفاده از مقررات قانون مالیات بر درآمد و قوانین مربوطه محاسبه می شود. بنگاه ها سود دفتری خود را همسو با استانداردها و اصول پذیرفته شده حسابداری و سود مشمول مالیات خود را براساس مقررات قانون مالیات بر درآمد محاسبه می کنند. به دلیل مواردی که هر ساله به طور ویژه برای اهداف مالیاتی مجاز یا ممنوع است، بین سود دفتری و سود مشمول مالیات تفاوت به وجود می آید. این تفاوت میان سود حسابداری و درآمد یا هزینه مشمول مالیات به عنوان تفاوت زمانی (موقت) شناخته می شود و می تواند به شناسایی بدهی های مالیات انتقالی^۱ و یا دارایی مالیات انتقالی^۲ منجر شود. از آنجا که هدف اصلی حسابداری مالیات انتقالی اطلاع رسانی در مورد مزایای مالیاتی و بدهی های مالیاتی آتی است، تجزیه و تحلیل رابطه مالیات های انتقالی افشا شده جاری با جریان نقدی مالیات های آتی برای ارزیابی اینکه آیا حسابداری مالیات های انتقالی واقعاً هدف مورد نظر را برآورده می کند بسیار با اهمیت است. به گفته یولیانتی (۲۰۰۵)، معمولاً به مدیریت این آزادی داده می شود که رویه حسابداری خود را براساس استاندارد حسابداری تعیین کند. این بدان معناست که آنها می توانند از مالیات انتقالی به عنوان ابزار مدیریت سود برای اهداف سود دلخواه خود استفاده کنند. بنا به تعریف لئوز و همکاران (۲۰۰۳) مدیریت سود یعنی: «تغییر عملکرد اقتصادی گزارش شده شرکت ها توسط افراد داخلی برای گمراه کردن برخی از ذینفعان^۳ یا تأثیرگذاری بر نتایج قراردادی». بنابراین آن از رفتار فرصت طلبانه مدیران ناشی می شود. در حقیقت، مدیریت سود بنیاد خود را در تئوری اثباتی حسابداری^۴ و تئوری نمایندگی^۵ بنا نهاده است و بنابراین بر پایه عدم تقارن اطلاعاتی^۶ بین مدیران و سایر شرکای تجاری پدیدار گشته است. براساس تئوری و شواهد تجربی، عدم تقارن اطلاعاتی می تواند منجر به افزایش هزینه سرمایه^۷ شود. واحدهای تجاری برای جلوگیری از این افزایش هزینه سرمایه باید عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند. به گفته چاکرون (۲۰۱۹)، مدیریت سود در دو دیدگاه مخالف دیده می شود: اولین مورد "رفتار فرصت طلبانه"^۸ مدیرانی را نشان می دهد که می خواهند منافع شخصی خود را به حداکثر برسانند. در نتیجه بر عملکرد مالی شرکت فقط می تواند تأثیر منفی بگذارد. در حضور این رفتار فرصت طلبانه،

- 1 - Deferred tax liabilities
- 2 - Deferred Tax Asset
- 3 - Stakeholders
- 4 - Positive accounting theory
- 5 - Agency theory
- 6 - Information asymmetry
- 7 - Cost of Capital
- 8 - Opportunistic Behavior

بسیاری از پژوهشگران وجود دیدگاه دومی را تأیید می کنند که بازتاب های مدیریت سود را راهبری می کند. آنها آن را راهی برای ارزش آفرینی برای سهامداران^۱ می دانند. اغلب از آن به عنوان "چشم انداز اطلاعاتی"^۲ یاد می شود. این دیدگاه مالی اخیر براساس تئوری نئوکلاسیک، مسئولیت انحصاری مدیران در به حداکثر رساندن ارزش سهامداران را نشان می دهد که در آن نظارت و ارزیابی اهمیت بسیار بیشتری پیدا کرده است و با توجه به انعطاف پذیری رهبری ضروری شده اند. (آنتونیوس و لامبوک، ۲۰۱۹).

با توجه به در نظر گرفتن اطلاعات مالیات انتقالی توسط سرمایه گذاران (مطالعات ارزش)، نتایج تجربی بسیار متفاوت است. در حالی که مطالعات اولیه بر اساس اولین سال های مالی پس از اجرای SFAS^۳ شماره ۱۰۹، ضرایب ارزیابی معنی داری از مالیات های انتقالی یافته است (امیر و همکاران، ۱۹۹۷ و آیزر، ۱۹۹۸)، مطالعات جدیدتر براساس داده های GAAP ایالات متحده و همچنین مطالعات مبتنی بر داده های GAAP غیرآمریکایی هیچ مدرکی برای اثبات ارتباط ارزش پیدا نکردند (سیترون، ۲۰۰۱؛ چانگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ رادی و همکاران، ۲۰۱۱). دو دیدگاه متفاوت در رابطه با ارزش مالیات های انتقالی وجود دارد:

(۱) دیدگاه بدهی؛ (۲) دیدگاه حقوق صاحبان سهام.

در حالی که طرفداران دیدگاه بدهی^۴ استدلال می کنند که بدهی های مالیات انتقالی (دارایی های مالیاتی انتقالی) بدهی های مالیاتی آتی (مزایای مالیاتی آتی) را تشکیل می دهد و بنابراین باید به صورت منفی (مثبت) به ارزش شرکت اثر بگذارند، طرفداران حقوق صاحبان سهام معتقدند که جریان های نقدی مرتبط بسیار نامشخص و با ارزش فعلی نزدیک به صفر است و مالیات های انتقالی نباید هیچ ارتباطی با ارزش داشته باشند. IFRS و GAAP با طبقه بندی بدهی های مالیات انتقالی (دارایی های مالیات انتقالی) به عنوان بدهی ها (دارایی ها)، از دیدگاه بدهی پیروی می کنند (سیترون، ۲۰۰۱). منتقدان دیدگاه بدهی استدلال می کنند که انتظار نمی رود که بخش عمده ای از مالیات های انتقالی که ناشی از فعالیت های عملیاتی است در آینده نزدیک برگشت شود و بنابراین به طور چرخه ای تکرار می شود، به گونه ای که تفاوت های موقتی معکوس برگشت شده توسط تفاوت های موقت جدید ایجاد شده در همان سال مالی جایگزین می شود. از سوی دیگر عدم اطمینان تنها معطوف به زمان جریانهای نقدی مالیاتی نبوده، بلکه همچنین در مورد تحقق پرداخت های مالیاتی ضمنی و مزایای مالیاتی نیز وجود دارد. زیرا تحقق این جریان های نقدی به توسعه بنگاه تجاری و عملیات آتی آن بستگی دارد. به ویژه اگر بخش های زیادی از تفاوت های موقتی به دلیل متوقف کردن فعالیت های مستمر عملیاتی برگشت می شوند، به احتمال زیاد بنگاه درگیر مشکلات مالی شدیدی خواهد بود. به دلیل کمبود سود مشمول مالیات نمی توان از مزایای مالیاتی استفاده کرد، به گونه ای که جریان نقدی مالیات

- 1- Shareholders
- 2- Informational Perspective
- 3- Statement of Financial Accounting Standards No.109
- 4- Debt Perspective

انتقالی حتی در صورت برگشت تفاوت های موقتی محقق نخواهد شد. به همین دلایل طرفداران دیدگاه حقوق صاحبان سهام^۱ استدلال می کنند که مالیات های انتقالی اساساً مربوط به جریان های نقدی دور و نامشخص هستند و از نگاه میزان پرداخت مالیات در سال های آتی ارتباط چندانی نداشته یا اندک هستند و جریان های نقدی مرتبط، یک ارزش فعلی نزدیک به صفر می باشد. بنابراین مالیات های انتقالی با توجه به این دیدگاه در حقیقت بخشی از حقوق صاحبان سهام است (کلودک، ۲۰۱۱).

شواهد تجربی در مورد اینکه آیا استفاده کنندگان صورتهای مالی اطلاعات مالیات انتقالی را در نظر می گیرند قطعی نیست. با استفاده از داده های یکسان، امیر و همکاران (۱۹۹۷) و آیرز (۱۹۹۸) شواهدی همسو با دیدگاه بدهی و تنزیل بازار برای اجزای مالیات انتقالی با توجه به زمان مورد انتظار و احتمال برگشت آنها ارائه می دهند. در حالی که چانگ و همکاران (۲۰۰۹)، تنها دارایی های مالیات انتقالی را مربوط به ارزش یافتند، در مقابل، چاندر و رو (۱۹۹۷) با نشان دادن ارتباط منفی مالیات های انتقالی و ریسک سهام، شواهدی مطابق با دیدگاه حقوق صاحبان سهام ارائه می دهند. چن و شوودریک (۲۰۰۰) گزارش دادند که تعدیل های مالیات انتقالی در نتیجه تغییر در نرخ مالیات شرکت ها، به رغم پیامدهای متفاوت آنها برای جریان های نقدی آتی، در قیمت سهام با همان نرخ سود تکراری منعکس شده است. ظاهراً سرمایه گذاران انتظار تاثیر سود ناشی از تعدیل مالیات های انتقالی به دلیل تغییر نرخ مالیات را نداشتند، که نشان می دهد یا سرمایه گذاران با قوانین حسابداری مالیات انتقالی و مفهوم مالیات های انتقالی آشنا نیستند و یا اینکه آنها مالیات های انتقالی را کاملاً نادیده می گیرند. لو و نیسیم (۲۰۰۴) هیچ رابطه معنی داری بین هزینه مالیات انتقالی و بازده سالانه پیدا نکردند که این نشان می دهد سرمایه گذاران مالیات انتقالی را مهم نمی دانند. در مورد سایر استفاده کنندگان صورتهای مالی، امیر و سوگانیس (۱۹۹۹) و چن و شوودریک (۲۰۰۰) شواهد تجربی تحلیلگران مالی را گزارش می کنند که اطلاعات مالیات انتقالی بخشی از پیش بینی سود آنها نیست. به همین ترتیب، چندین مطالعه تجربی گزارش می دهند که مالیات های انتقالی در رتبه بندی اوراق قرضه منعکس نمی شوند (هوس و ژائو ۱۹۹۱؛ چانوپادهای و همکاران ۱۹۹۷). در همین راستا یک مطالعه پیمایشی آلمانی توسط هالر و همکاران (۲۰۰۸) گزارش می دهد که بیشتر مصاحبه شوندگان، دارایی های مالیات انتقالی را به دلیل ارزش مشکوک، به ارزش ویژه (حقوق صاحبان سهام) اضافه می کنند. ادبیات نشان می دهد که شواهد تجربی در مورد استفاده و تفسیر اطلاعات مالیات انتقالی افشا شده تقریباً بی نتیجه است. در حالی که برخی از مطالعات با تمرکز بر سرمایه گذاران شواهدی را برای پشتیبانی از دیدگاه بدهی پیدا می کنند، برخی دیگر اینچنین نیستند (کلودک، ۲۰۱۱). لگوریا و سلرز (۲۰۰۵) رابطه مثبت (منفی) معناداری بین دارایی های مالیات انتقالی (ذخیره ارزیابی دارایی های مالیات انتقالی) و جریان نقدی عملیاتی آتی را گزارش نمودند. هانلون و شولین (۲۰۰۵) نتیجه گرفتند که شرکت های با تفاوت های مالیات دفتری بزرگ، سود پایدار کمتری نشان می

1- Equity Perspective

دهند. فرانک و رگو (۲۰۰۶) رفتار مدیریتی متفاوت (هموارسازی سود، برآورده سازی پیش بینی سود و کم نمایی سود) که در سه هدف متفاوت سود یعنی: (۱) دستیابی به سود مثبت، (۲) دستیابی به سود سال قبل و (۳) برآورده سازی پیش بینی تحلیلگران به کار رفته است بررسی نمودند. آنها شواهدی یافتند که حساب ذخیره ارزیابی^۱ (VAA) برای مدیریت سود، جهت تحقق پیش بینی تحلیلگران استفاده شده است. اما هیچ مدرکی مبنی بر استفاده از VAA برای مدیریت سود جهت دستیابی به سود مثبت، تأمین سطح سود سال قبل یا کم نمایی نیافتند.

شماری از مطالعات نشان می دهد که تفاوت مالیات دفاتر به طور استراتژیک مدیریت می شود تا از طریق پناهگاه مالیاتی^۲ (مانند؛ ویلسون، ۲۰۰۹)، یا از طریق برنامه ریزی مالیاتی^۳ (مانند؛ آیزر، جیانگ، و لاپلانت، ۲۰۰۹) یا مدیریت سود (مانند؛ فیلیپس، پینکوس و رگو، ۲۰۰۳) از پرداخت مالیات جلوگیری یا پرداخت آن را به تعویق اندازد. مطالعات انجام شده بر روی نمونه های غیر متعارف نشان داده است که سپر مالیاتی غیر بدهی خارج از ترازنامه تأثیر بسزایی بر تصمیمات اهرمی دارد. گراهام و تاکر (۲۰۰۶)، فرانک و رگو (۲۰۰۹)، ویلسون (۲۰۰۹) و لیسوفسکی (۲۰۱۰) شواهدی ارائه کرده اند که نشان می دهد شرکت های دارای پناهگاه مالیاتی بدهی کمتری نسبت به شرکت های دیگر واقع در مناطق مشمول مالیات دارند. گراهام و همکاران (۲۰۰۴)، کاهل و شستری (۲۰۰۵) و شیوداسانی و استفانسکو (۲۰۱۰) نشان دادند که تفاوت های مالیات دفاتر ناشی از پاداش کارکنان به عنوان سپر مالیاتی غیر بدهی عمل می کند. گراهام و لیری (۲۰۱۱) استدلال کرده اند که فقدان متغیرهای سپر مالیاتی غیر بدهی به طور بالقوه درک تغییرات مقطعی در اهرم را تحت تأثیر قرار می دهد.

نتایج پژوهش توسط آیزر و همکاران (۲۰۱۰)، نشان می دهد که تغییرات معنادار (مثبت یا منفی) در هزینه مالیات انتقالی یا تفاوت های مالیات دفتری^۴ تأثیر قابل توجهی در رتبه بندی اعتباری دارد. رادی و همکاران (۲۰۱۱)، اثبات می کنند که ارزیابی مجدد وضعیت های مالیات انتقالی با اهمیت به دلیل تغییر در نرخ مالیات می تواند تأثیر قابل توجهی بر سودآوری و ساختار سرمایه شرکت ها داشته باشد. آنها به همبستگی میان تفاوت های مالیات دفتری و پایداری و رشد سود آتی دست یافتند. با این حال، آنها استدلال می کنند که سرمایه گذاران در یادداشت های مالیاتی ارزش اطلاعاتی تفاوت های مالیات دفتری را ارزیابی نمی کنند، زیرا احتمالاً درک آن به دلیل پیچیدگی آن دشوار خواهد بود. تانگ و فیرس (۲۰۱۱) در پژوهش خود نتیجه گرفتند که تفاوت های مالیات دفتری برای بررسی مدیریت سود و مدیریت مالیات مناسب هستند. چن و همکاران (۲۰۱۲) نشان می دهند که یکپارچگی تفاوت مالیات دفتری، به عنوان معیاری از تأثیر مشترک در

- 2- Valuation Allowance Account
- 2- Tax Shelter
- 3- Tax Planning
- 4 - Book-Tax Differences (BTDs)

مدیریت سود و برنامه ریزی مالیاتی، با پایداری سود^۱ و سود دفتری و مالیاتی ارتباط دارد. هانلون و همکاران (۲۰۱۲) استدلال می کنند که تفاوت های مالیات دفتری بزرگ یک جایگزین قابل مشاهده برای مدیریت سود است و دربرگیرنده اطلاعاتی است که توسط حسابرسان هنگام ارزیابی ریسک یک کسب و کار استفاده می شود و با هزینه های حسابرسی بالاتر همراه است. لاکس (۲۰۱۳) به بررسی اینکه آیا دارایی ها و بدهی های مالیات انتقالی، اطلاعات بیشتری در مورد پرداخت های مالیاتی آتی را فراهم می کنند پرداخته است. نتایج وی نشان می دهد که یک رابطه نامتقارن بین دارایی ها و بدهی های مالیات انتقالی و پرداخت های مالیاتی آتی وجود دارد. بلیلاک و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که بین مدیریت سود و همسویی مالیات دفتری رابطه مثبتی وجود دارد. تانگ (۲۰۱۴) نشان داد که وقتی همسویی مالیات دفتری زیاد است، مدیریت سود کمتری اتفاق می افتد. پژوهش تیموریانا و همکاران (۲۰۱۵) نشان می دهد که دارایی های مالیاتی انتقالی بر مدیریت سود تأثیر دارند ولی هزینه مالیات انتقالی تأثیری بر مدیریت سود ندارد. آماندا و مریسکا (۲۰۱۵) نشان دادند که هزینه مالیات جاری بر مدیریت سود تأثیر دارد در حالی که هزینه مالیات انتقالی و مبنای تعهدی تأثیری بر مدیریت سود ندارد. نتیجه پژوهش اوتامی و مالک (۲۰۱۵) نشان می دهد که اقلام تعهدی اختیاری، هزینه های مالیات انتقالی و هزینه های جاری مالیاتی تأثیری بر مدیریت سود ندارند. ایفادا و ولانداری (۲۰۱۵) استفاده از هزینه مالیات انتقالی را به جای سود حسابداری برای مدیریت سود مشمول مالیات بررسی نمودند. آنها دریافتند که مالیات های انتقالی به طور قابل توجهی بر مدیریت سود تأثیر می گذارد. حکیم و سوگنگ (۲۰۱۵) پژوهشی در مورد تأثیر دارایی های مالیات انتقالی و هزینه مالیات انتقالی بر مدیریت سود در شرکت های بانکی انجام دادند. نتایج این مطالعه نشان می دهد که دارایی های مالیات انتقالی و هزینه مالیات انتقالی تأثیر قابل توجهی بر مدیریت سود دارد. نگارا و دارما (۲۰۱۷) تأثیر برنامه ریزی مالیاتی و هزینه مالیات انتقالی بر مدیریت سود را بررسی نمودند. یافته ها حاکی از آن بود که برنامه ریزی مالیاتی و هزینه مالیات انتقالی تأثیر مثبتی بر مدیریت سود داشته است. کورمن و ولته (۲۰۲۱) با بررسی نمونه ای از شرکت هایی که بین سال های ۲۰۰۵ و ۲۰۱۵ در آلمان عرضه اولیه شدند، دریافتند که خالص دارایی مالیات انتقالی با عملکرد بلندمدت قیمت سهام ارتباط مثبت دارد که این ارتباط به ویژه در میان شرکت های زیان ده قویتر است. ژو (۲۰۲۲) بررسی نمود که آیا تغییر غیرعادی در دارایی های مالیات انتقالی با پیش بینی سود تحلیل گران تداخل دارد یا خیر. نتایج نشان داد که تغییر غیرعادی در دارایی های مالیات انتقالی، خطا و واگرایی این پیش بینی ها را افزایش می دهد. در مقایسه با تغییر غیرعادی منفی در دارایی های مالیات انتقالی، تغییر غیرعادی مثبت تأثیر بیشتری بر پیش بینی سود داشته است. گلدمن، لولن و اشمیت (۲۰۲۲) بررسی نمودند که چگونه شواهد عینی و ذهنی میزان ذخیره ارزیابی دارایی های مالیات انتقالی را تعیین می کنند. نتایج آنها نشان می دهد که مدیران عمدتاً از شواهد عینی برای ارزیابی قابلیت تحقق دارایی های مالیات انتقالی

1 - Earnings Persistence

استفاده می‌کنند، که با استانداردهای حسابداری و رهنمودهای کارشناسان همسویی دارد. با این حال، شواهدی می‌یابند مبنی بر اینکه مدیران در هنگام تعیین میزان ذخیره ارزیابی دارایی‌های مالیات انتقالی به عوامل ذهنی تری مانند درآمد مشمول مالیات برآوردی آتی وزن بیشتری می‌دهند، به‌ویژه زمانی که زبان‌های انباشته دارند. امیر و صدیقی (۲۰۲۳) به تأثیر مالیات انتقالی بر ارزش، مدیریت سود و سودآوری شرکت پرداختند. یافته‌های آنها نشانگر افزایش مدیریت سود از طریق مالیات انتقالی است، چراکه مقادیر بالاتر مالیات انتقالی منجر به شیوه‌های مدیریت سود تهاجمی‌تر می‌شود. کرباسی یزدی و راسخ صالح (۱۳۹۲) رابطه اختلاف میان سود حسابداری و سود مأخذ محاسبه مالیات با رشد و پایداری سود را مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های آنها نشان داد که در بازار سرمایه ایران، اختلاف سود حسابداری و سود مأخذ محاسبه مالیات با تغییرات آتی سود خالص و تغییرات آتی مالیات رابطه معناداری دارد، به طوری که با افزایش این اختلاف از میزان رشد سود خالص شرکت‌ها کاسته و بر میزان رشد مالیات در سال‌های آتی افزوده می‌شود. همچنین با زیاد بودن اختلاف مثبت و یا منفی بین سود حسابداری و سود مأخذ محاسبه مالیات از پایداری سود شرکت‌ها کاسته می‌شود. تاری وردی و همکاران (۱۳۹۳) تأثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنها نشان داد که مدیریت سود از طریق اقلام تعهدی باعث کاهش دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی می‌شود و هدف از انجام مدیریت سود جهت‌گیری به سمت تحریف گزارش‌های مالی و منافع فرصت‌طلبانه می‌باشد. مشایخی و علی پناه (۱۳۹۴) به بررسی تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت پرداختند. نتایج آنها بیانگر آن بود که با بهبود کیفیت ساختار راهبری شرکتی، تأثیر مثبت فعالیت‌های اجتناب از مالیات بر ارزش شرکت بیشتر می‌شود. رهنمای رود پستی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی به بررسی نرخ موثر مالیاتی نقدی معیار سنجش اجتناب مالیاتی یا مدیریت سود افزایشی پرداختند. نتایج بررسی آنها نشان داد که نرخ موثر مالیاتی نقدی معیار مناسبی برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی نیست. حساس یگانه و رضایی (۱۳۹۷) مدلی برای تأثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی ارائه نمودند. نتایج بررسی آنها نشان دهنده ارتباطی معنی‌دار بین مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت با اجتناب و فرار مالیاتی می‌باشد. فداکار و همکاران (۱۳۹۸) به تبیین الگویی برای مدیریت سود در شرکت‌های ورشکسته و مقایسه آن با مدل اصلاح شده جونز پرداختند. نتایج آنها نشان داد که شرکت‌های برتر نسبت به شرکت‌های ورشکسته کمتر مدیریت سود می‌نمایند. صادق پور و همکاران (۱۴۰۰) نقش ماکیاولیسم، دستکاری هیجانی و تسلط اجتماعی در بیش‌نمایی سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج این بررسی نشان داد که تسلط اجتماعی، دستکاری هیجانی و ماکیاولیسم تأثیر مثبتی بر بیش‌نمایی سود دارد. از طرفی ماکیاولیسم بر تسلط اجتماعی و دستکاری هیجانی اثر مستقیم دارد. هم‌چنین، ماکیاولیسم به واسطه تسلط اجتماعی و دستکاری هیجانی بر بیش‌نمایی سود به طور غیر مستقیم و مثبت اثرگذار است. قوت مند جزی و همکاران (۱۴۰۱) به شناسایی تأثیر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی و اهمیت آن برای مطالعات اجتناب مالیاتی پرداختند. نتایج

بیانگر آن بود که معیار اجتناب مالیاتی مبتنی بر جریان‌های نقد عملیاتی که در تحقیقات پیشین استفاده شده، شامل "اثر صورت" بوده و با احتمال کمتری تحت تاثیر مدیریت سود (اثر مخرج) قرار دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش به صورت قیاسی - استقرایی می باشد، قیاسی به لحاظ تبیین فرضیه‌های پژوهش به کمک تئوری‌های موجود و استقرایی به جهت آزمون فرضیه‌ها. روش انجام پژوهش بر مبنای هدف پژوهش از نوع کاربردی می‌باشد زیرا با به کارگیری تئوری‌ها، مبانی نظری، دانش آمار و اقتصادسنجی، در جامعه آماری به نتایجی دست می‌یابد که برای آن دسته از بنگاه‌ها، سازمان‌ها و نهادهایی که در دامنه پژوهش قرار می‌گیرند قابل استفاده می‌باشد. از لحاظ ماهیت و روش پژوهش در گروه پژوهش‌های همبستگی و پس رویدادی است یعنی بر مبنای تجزیه و تحلیل داده‌های گذشته (با ابزار صورت‌های مالی شرکت‌ها از طریق نرم افزار رهاورد نوین و سایت کدال) انجام می‌گیرد و از نظر مکانی در طبقه پژوهش‌های توصیفی و کتابخانه‌ای قرار می‌گیرد. پس از گردآوری و بازبینی، داده‌های مربوطه با نرم‌افزار آماری *evIEWS* تحلیل و به منظور انجام آزمون فرضیه‌ها، از روش تحلیل رگرسیون لجستیک استفاده شده است. تحلیل رگرسیون زمانی استفاده می‌شود که بخواهیم مقادیر یک متغیر را از روی مقادیر متغیر دیگر پیش‌بینی کنیم. در این مورد، متغیری که ما از آن بهره می‌گیریم تا مقدار متغیر دیگر را پیش‌بینی کنیم، متغیر مستقل (یا پیش‌بین) نام دارد و متغیری را هم که می‌خواهیم پیش‌بینی کنیم متغیر وابسته نام دارد.

پژوهش حاضر در زمره پژوهش‌های تجربی، در حوزه امور مالی و حسابداری می‌باشد و اغلب موضوعات مالی مانند سایر موضوعات علمی که از روش‌های آماری در پژوهش‌های خود استفاده می‌نمایند، نیازمند داده‌ها و اطلاعاتی می‌باشند که در طول یک دوره زمانی ایجاد می‌شوند. بدیهی است که هر اندازه تعداد داده‌های موردنیاز، مربوط به دوره زمانی طولانی‌تر باشد، نتایج بدست آمده از روش‌های آماری با دقت و صحت بیشتری همراه خواهد بود. از اینرو پژوهش کنونی براساس اطلاعات مالی شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران در دوره شش ساله از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ تهیه شده است. با توجه به موضوع پژوهش و کاربرد آن، قلمرو مکانی این پژوهش شرکت‌های پذیرفته شده در سازمان بورس و اوراق بهادار تهران است. از اینرو برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از اطلاعات سازمان بورس و اوراق بهادار استفاده شده است. در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری از روش حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده گردیده است. به عبارت دیگر آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا بوده‌اند، به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف گردیده‌اند. شرایط انتخاب نمونه به صورت زیر ارائه شده است:

- (۱) برای رعایت قابلیت مقایسه پذیری آنها، سال مالی شرکت‌ها منتهی به پایان اسفند ماه هر سال باشد.
- (۲) طی قلمرو زمانی پژوهش، هیچگونه توقف فعالیت نداشته و دوره مالی خود را تغییر نداده باشند.
- (۳) کلیه ی اطلاعات مورد نیاز شرکتها برای پژوهش در دسترس باشد.

- ۴) جزء بانک ها و موسسات مالی (شرکت های سرمایه گذاری، واسطه گران مالی، شرکت های هلدینگ و لیزینگ ها) نباشند.
- ۵) شرکت ها در طی سالهای پژوهش صورت های مالی و یادداشت های همراه خود را به بورس ارائه داده باشند. در نهایت ۱۶۹ شرکت به عنوان نمونه آماری در این مطالعه مورد بررسی قرار گرفت است.

۴- تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

۴-۱- مدیریت سود

متغیر وابسته این مطالعه می باشد که برای اندازه گیری آن از مدل اصلاح شده جونز استفاده شده است. باقیمانده های مدل به عنوان نماینده ای برای اقلام تعهدی غیر عادی (اختیاری) استفاده می شود. اقلام تعهدی اختیاری مثبت به این معنی است که الگوی مدیریت سود به شکل حداکثر سازی سود است، در حالی که اقلام تعهدی منفی، بدین معنی است که الگوی مدیریت سود به شکل حداقل سازی سود است. هنگام سنجش مدیریت سود مثبت، برای اقلام تعهدی اختیاری مثبت مقدار ۱ و اقلام تعهدی منفی مقدار صفر در نظر گرفته می شود. به همین ترتیب هنگام سنجش مدیریت سود منفی، برای اقلام تعهدی اختیاری منفی مقدار ۱ و اقلام تعهدی مثبت مقدار صفر تعلق می گیرد (به شکل متغیر مجازی). شیوه محاسبه اقلام تعهدی اختیاری (DA) به شرح زیر است:

نخست اقلام تعهدی کل از رابطه زیر محاسبه می شود:

$$TAC = (\Delta CA - \Delta cash) - (\Delta CL - \Delta LTD - \Delta ITP) - DPA$$

که در آن TAC it: مجموع اقلام تعهدی شرکت i در سال t

ΔCA : تغییر در دارایی های جاری شرکت i بین سالهای t و t-1

$\Delta Cash$: تغییر در مانده وجه نقد شرکت i بین سالهای t و t-1

ΔCL : تغییر در بدهی های جاری شرکت i بین سال های t و t-1؛

ΔLTD : تغییر در حصة جاری بدهی های بلندمدت شرکت بین سالهای t و t-1؛

ΔITP : تغییر در مالیات بر درآمد پرداختنی بین سال های t و t-1؛

DPA: هزینه استهلاک داراییهای ثابت و نامشهود شرکت i در سال t

سپس با استفاده از مدل تعدیل شد جونز (۱۹۹۱) که دجو و همکاران (۱۹۹۵) آن را توسعه دادند، اقلام تعهدی کل به دو بخش اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تجزیه میشود.

$$TAC / TA = \alpha [1/TA] + \beta [\Delta REV - \Delta REC / TA] + \gamma [PPE / TA] + \epsilon_i$$

PPE : ناخالص دارایی ثابت در سال t

ΔREV_{it} : تغییر در درآمد از سال t-1 تا سال t

ΔREC : تغییر در حسابهای دریافتی از سال t-1 تا سال t

در پایان پس از تخمین اقلام تعهدی غیر اختیاری، اقلام تعهدی اختیاری از رابطه زیر بدست می آید:

$$DAC = TAC - NDAC$$

۲-۴- دارایی مالیات انتقالی

دارایی مالیات انتقالی متغیر مستقل پژوهش بوده که در پایان دوره t از صورت های مالی استخراج و بر جمع دارایی های سال t تقسیم میگردد تا دارایی مالیات انتقالی در پایان دوره به شکل همگن اندازه گیری شود.

$$DTA_{it} = \frac{\text{Deferred Tax Assets}_{it}}{\text{Total Assett}}$$

۳-۴- بدهی های مالیات انتقالی

بدهی مالیات انتقالی که به عنوان دیگر متغیر مستقل در این مطالعه استفاده می شود پس از استخراج از صورت های مالی شرکت های نمونه جهت همگن سازی بر مجموع دارایی های همان سال به صورت زیر تقسیم می شود.

$$DTE_{it} = \frac{\text{Deffered Tax Expenses}_{it}}{\text{Total Assett}}$$

۴-۴- تمرکز مالکیت

کنترل مطلق سهامداران عمده بر اداره امور شرکت را تمرکز مالکیت گویند. در این پژوهش، تمرکز مالکیت با استفاده از شاخص هرفیندال- هیرشمن و برای درصد مالکیت بزرگتر و مساوی ۵ درصد اندازه گیری می شود. هر اندازه که این شاخص بیشتر باشد، بیانگر تمرکز بیشتر و حضور تعداد اندکی سهامدار عمده در ساختار مالکیت شرکت است و برعکس. شاخص هرفیندال - هیرشمن از طریق فرمول زیر اندازه گیری می شود:

$$OC = \sum_{i=1}^n (share)^2$$

در این رابطه share درصد سهام تحت تملک سهامدار i در شرکت است.

۵-۴- مالکیت مدیریتی

دیگر متغیر کنترلی پژوهش است که بیانگر درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیئت مدیره است. این متغیر در پژوهش های کومار (۲۰۰۳)، رز (۲۰۰۵) نیز با همین تعریف به کار رفته است. جهت اندازه گیری آن میزان سهام نگهداری شده توسط هیئت مدیره بر تعداد کل سهام تقسیم می گردد تا درصد سهام نگهداری شده توسط هیئت مدیره بدست آید. برای این کار نخست اسامی اعضای هیئت مدیره از بخش صورت های

مالی حسابرسی شده که به تایید هیئت مدیره رسیده است مشخص گردیده و سپس در بخش یادداشت سرمایه، تعداد سهام نگهداری شده توسط هیئت مدیره بدست می آید.

۴-۶- مالکیت نهادی

از متغیرهای کنترلی این مطالعه و برابر درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت‌های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه است که این شرکت‌ها شامل شرکت‌های بیمه، موسسه‌های مالی، بانک‌ها، شرکت‌های دولتی و دیگر اجزای دولت است. این متغیر در پژوهش‌های کومار (۲۰۰۳)، ارن هارت و لیزال (۲۰۰۶) نیز با همین تعریف به کار رفته است.

۴-۷- بازده دارایی

نمایانگر نسبت سود خالص به دارایی‌های شرکت i در سال t و شاخصی برای محاسبه نرخ بازده دارایی‌ها می‌باشد. شرکت‌هایی که سودآوری بالاتری دارند، مطمئناً مالیات بیشتری خواهند پرداخت. لذا شرکت‌های سود ده، انگیزه بالایی برای اجتناب مالیاتی دارند. این نسبت با استفاده از رابطه زیر بدست می آید:

$$ROA = \frac{NET\ INCOME}{ASSETS}$$

۴-۸- اهرم مالی

شاخص اهرم مالی شرکت i در سال t که برابر است با نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها. به نظر می‌رسد یکی از انگیزه‌های اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، استفاده از سپر بدهی است. در واقع شرکت‌ها با افزایش بدهی‌ها و به همراه آن افزایش هزینه بهره، سود خود را کاهش و مالیات کمتری می‌پردازند. این شاخص با استفاده از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

$$LEVERAGE = \frac{LIABILITIES}{ASSETS}$$

۴-۹- اندازه شرکت

متغیر کنترلی اندازه شرکت برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t . به نظر می‌رسد که شرکت‌های بزرگتر به دلیل فروش بالاتر و ارزش بازار بالاتر و احتمالاً سوددهی بالاتر، مالیات بیشتری پرداخت خواهند کرد و از اینرو میزان دارایی و بدهی مالیات انتقالی را تحت تاثیر قرار خواهد داد. متغیر اندازه از رابطه زیر محاسبه می‌گردد:

$$SIZE = LN(MV)$$

MV: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام

۱۰-۴- فرصت رشد

متغیر کنترلی رشد شرکت برابر است با نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام. شرکت های دارای نرخ رشد بالاتر به سبب افزایش سود، مالیات بیشتری نیز پرداخت خواهند نمود. فرمول این متغیر به شکل زیر می باشد:

$$GROWTH = \frac{MV}{BV}$$

۱۱-۴- جریان نقد عملیاتی

نشان دهنده جریان نقد عملیاتی شرکت i در سال t است که با سود عملیاتی پایان سال همگن شده است. شرکت های که وجوه نقد عملیاتی بالاتری دارند، احتمالاً سود عملیاتی بالاتری داشته و مالیات بالاتری نیز پرداخت خواهند نمود. مقدار این متغیر از صورت جریان نقدی بدست آمده با استفاده از رابطه زیر محاسبه شده است:

$$OCF = \frac{CF}{EBIT}$$

چکیده متغیرهای پژوهش و چگونگی اندازه گیری آن در نمایه ۱ نشان داده شده است:

نمایه ۱: تعریف عملیاتی متغیرها

متغیر	نام متغیر	نماد	نحوه اندازه گیری
متغیر وابسته	مدیریت سود	DAC	نخست اقلام تعهدی کل از رابطه زیر محاسبه می شود: $TAC = (\Delta CA - \Delta cash) - (\Delta CL - \Delta LTD - \Delta ITP) - DPA$ سپس اقلام تعهدی کل به دو بخش اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری تجزیه میشود. $TAC / TA = \alpha [1/TA] + \beta [\Delta REV - \Delta REC / TA] + \gamma [PPE / TA] + \epsilon_i$ در پایان اقلام تعهدی اختیاری از رابطه زیر بدست می آید: $DAC = TAC - NDAC$
متغیر مستقل	دارایی های مالیات انتقالی	DTL	$DTL_{it} = (Deferred\ Tax\ Assets_{it}) / (Total\ Assets_{it})$
متغیر مستقل	بدهی های مالیات انتقالی	DTE	$DTE_{it} = (Deffered\ Tax\ Liability_{it}) / (Total\ Assets_{it})$
متغیر کنترلی	تمرکز مالکیت	OC	$OC = \sum_{i=1}^n (share)^2$
	مالکیت مدیریتی	MO	درصد سهام نگهداری شده توسط اعضای هیئت مدیره
	مالکیت نهادی	IS	درصد سهام نگهداری شده توسط شرکت های دولتی و عمومی از کل سهام سرمایه
	بازده دارایی	ROA	$ROA = (NET\ INCOME) / ASSETS$
	اهرم مالی	LEV	$LEVERAGE = LIABILITIES / ASSETS$

متغیر	نام متغیر	نماد	نحوه اندازه گیری
	اندازه شرکت	SIZE	SIZE = LN (MV)
	فرصت رشد	GROWTH	GROWTH = MV/BV
	جریان نقد عملیاتی	OCF	EBIT/operating cash flow

منبع: یافته های پژوهشگر

۵- فرضیه های پژوهش

براساس پرسش های مطرح شده در بخش مقدمه دو فرضیه اصلی و چهار فرضیه فرعی به صورت زیر تبیین گردیده است:

۱- شناسایی دارایی مالیات انتقالی در صورت وضعیت مالی برپایه استاندارد ۳۵ به مدیریت سود توسط واحدهای تجاری می انجامد.

۱-۱- شناسایی دارایی مالیات انتقالی در صورت وضعیت مالی طبق استاندارد ۳۵ به مدیریت سود مثبت توسط واحدهای تجاری می انجامد.

۱-۲- شناسایی دارایی مالیات انتقالی در صورت وضعیت مالی طبق استاندارد ۳۵ به مدیریت سود منفی توسط واحدهای تجاری می انجامد.

۲- بدهی مالیات انتقالی شناسایی شده در صورت وضعیت مالی واحدهای تجاری برپایه استاندارد ۳۵ منجر به مدیریت سود می گردد.

۱-۲- بدهی مالیات انتقالی شناسایی شده در صورت وضعیت مالی واحدهای تجاری براساس استاندارد ۳۵ منجر به مدیریت سود مثبت می گردد.

۲-۲- بدهی مالیات انتقالی شناسایی شده در صورت وضعیت مالی واحدهای تجاری براساس استاندارد ۳۵ منجر به مدیریت سود منفی می گردد.

۶- مدل های پژوهش

برای آزمون فرضیه های پژوهش مدل های زیر به کار رفته است:

$$1- \text{Positive Earning Management}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Deferred Tax assets}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{LN_MV}_{it} + \beta_5 \text{GROW}_{it} + \beta_6 \text{OCF}_{it} + \beta_7 \text{MO}_{it} + \beta_8 \text{IS}_{it} + \beta_9 \text{OC}_{it} + e_{it}$$

$$2- \text{Negative Earning Management}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Deferred Tax assets}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{LN_MV}_{it} + \beta_5 \text{GROW}_{it} + \beta_6 \text{OCF}_{it} + \beta_7 \text{MO}_{it} + \beta_8 \text{IS}_{it} + \beta_9 \text{OC}_{it} + e_{it}$$

$$3- \text{Positive Earning Management}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Deferred Tax Liability}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{LN_MV}_{it} + \beta_5 \text{GROW}_{it} + \beta_6 \text{OCF}_{it} + \beta_7 \text{MO}_{it} + \beta_8 \text{IS}_{it} + \beta_9 \text{OC}_{it} + e_{it}$$

$$4- \text{Negative Earning Management}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Deferred Tax Liability}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_4 \text{LN_MV}_{it} + \beta_5 \text{GROW}_{it} + \beta_6 \text{OCF}_{it} + \beta_7 \text{MO}_{it} + \beta_8 \text{IS}_{it} + \beta_9 \text{OC}_{it} + e_{it}$$

۷- یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای پژوهش در نمایه ۲ ارائه گردیده است:

نمایه ۲: آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	شمار	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	جولگی	کشیدگی
مدیریت سود مثبت (P-EM)	۱۰۱۴	۰/۳۶۳۳	۱	۰	۰/۴۸۱۱	۰/۵۶۸۶	۱/۳۲۳۳
مدیریت سود منفی (N-EM)	۱۰۱۴	۰/۶۳۶۷	۱	۰	۰/۴۸۱۱	-۰/۵۶۸۶	۱/۳۲۳۳
دارایی مالیات انتقالی (DTA)	۱۰۱۴	۰/۰۱۱۴	۰/۶۰۷۰	۰	۰/۰۵۳۷	۶/۹۶۳۸	۵۹/۲۹۴۲
بدهی مالیات انتقالی (DTL)	۱۰۱۴	۰/۰۰۷۷	-۰/۷۷۳۱	۰	۰/۰۵۷۱	۹/۱۵۳۶	۹۶/۴۱۶۹
نسبت بازده دارایی (ROA)	۱۰۱۴	۰/۱۵۵۴	۲/۷۷۵۲	-۰/۴۰۰۳	۰/۱۸۱۸	۳/۹۲۰۱	۴۹/۶۹۰۵
اهرم مالی (LEV)	۱۰۱۴	۰/۵۴۴۳	۲/۶۲۷۰	۰/۰۱۳۹	۰/۲۶۱۹	۱/۸۷۲۱	۱۳/۸۱۶۰
اندازه شرکت (SIZE)	۱۰۱۴	۰/۲۸۶۰	۳۴/۶۴۲۷	۲۱/۹۰۳۵	۱/۹۲۰۲	۰/۳۵۳۱	۴/۰۲۸۱
فرصت رشد (Growth)	۱۰۱۴	۰/۰۶۲۷	۲۴۷/۰۲۹۷	-۸۶۲/۹۸۱۲	۳۱/۶۲۷۶	-۱۹/۷۲۶۴	۵۷۱/۴۳۹۵
جریان نقد عملیاتی (OCF)	۱۰۱۴	-۰/۵۸۹۹	۶۰۱/۴۲۴۸	-۱۱۲۵/۵۹۷	۴۷/۵۵۱۵	-۱۳/۴۹۰۳	۳۶۲/۴۶۹۸
مالکیت مدیرتی (MO)	۱۰۱۴	۰/۳۷۹۸	۹۸/۷۴۱۲	۴/۸۵۳۹	۳۱/۳۳۳۲	۰/۲۵۴۸	۱/۶۴۲۴
مالکیت نهادی (IS)	۱۰۱۴	۰/۶۳۸۷	۱۰۰	۰	۱۸/۵۵۰۵	-۰/۴۷۵۱	۲/۹۲۳۹
تمرکز مالکیت (OC)	۱۰۱۴	۰/۶۵۰۷	۱	۰	۲۷/۲۹۹۶	-۰/۱۷۶۷	۲/۰۵۵۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با نگاه به آمار توصیفی پژوهش و بررسی ۱۰۱۴ مشاهده به طور چکیده می‌توان بیان نمود که ۳۶ درصد از شرکت‌های مورد مطالعه دارای الگوی مدیریت سود مثبت و ۶۴ درصد دارای الگوی مدیریت سود منفی هستند. همچنین اهرم مالی شرکت‌های مورد مطالعه نیز حاکی از آن است که ۵۴ درصد ساختار سرمایه این شرکت‌ها برگرفته از بدهی‌ها می‌باشد. میانگین سهامداران نهادی نیز نشان دهنده این است که ۶۴ درصد از سهام شرکت‌های مورد بررسی در اختیار سهامداران نهادی (شرکت‌های دولتی و عمومی) و باقیمانده در اختیار سایر سهامداران است. بررسی مالکیت مدیریتی نشان دهنده این است که به طور میانگین ۳۸ درصد از

سهام شرکت‌ها متعلق به مدیران است. همچنین بررسی تمرکز مالکیت نشان می‌دهد که ۶۵ درصد از کنترل امور شرکت در اختیار سهامداران عمده است.

۸- نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش

از آنجا که در این پژوهش فرض شده بود که مالیات‌های انتقالی بر اساس استاندارد ۳۵ حسابداری منجر به مدیریت سود خواهد شد بر همین اساس تاثیر این متغیرها به طور جداگانه بر شرکت‌های جامعه آماری که الگوی مدیریت سود مثبت و مدیریت سود منفی داشتند مورد آزمون قرار گرفت که دستاورد آن در نمایه‌های ۳ تا ۶ آمده است.

نمایه ۳: نتایج آزمون فرضیه ۱

$\beta_4 \text{LN_MV}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_1 \text{Deferred Tax assets}_{it} + \beta_0 + \text{Positive Earning Management}_{it} = e_{it} + \beta_9 \text{OC}_{it} + \beta_8 \text{IS}_{it} + \beta_6 \text{OCF}_{it} + \beta_7 \text{MO}_{it} + \beta_5 \text{GROW}_{it} +$			
سطح معنی داری	آماره Z	ضریب رگرسیون	نام و نماد متغیر
۰/۰۴۹۴	-۱/۹۶۵۱	-۳/۱۶۲۳	DTA
۰/۱۴۰۳	۱/۴۷۴۸	۰/۶۴۸۶	ROA
۰/۳۲۶۲	۰/۹۸۱۸	۰/۰۰۲۴	OWNERSHIP- CONCENTRATION
۰/۴۷۴۷	۰/۷۱۴۸	۰/۰۰۱۵	MANAGEMENT-OWNER
۰/۰۰۹۳	۲/۵۹۹۰	۰/۰۹۹۱	LN_MV
۰/۰۰۴۰	۲/۸۷۵۱	۰/۸۴۱۹	LEV
۰/۹۶۱۶	-۰/۰۴۸۱	-۰/۰۰۰۱	INSTITUTIONAL- SHAREHOLDE
۰/۰۴۳۰	۲/۰۲۳۳	۰/۰۱۰۲	GROWTH
۰/۲۵۳۰	۱/۱۴۳۱	۰/۰۰۲۸	CFO
۰/۰۰۰۲	-۳/۷۲۰۶	-۴/۲۱۹۲	C
-۶۴۶/۷۸۳۰	Log likelihood	۰/۰۲۵۶	ضریب تعیین مک فادن
۰/۰۰۰۰	سطح معنی داری	۳۴/۰۳۲۴	آماره LR
۶۴/۶۶			درصد صحت پیش بینی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

از آنجا که متغیر مدیریت سود متغیری مجازی است و به صورت ۱ و ۰ اندازه‌گیری شده است، بنابراین برای آزمون مدل از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بر پایه نتایج آزمون فرضیه ۱ که در نمایه ۳ ارائه شده است و با توجه به مقدار آماره LR (بیانگر معنادار بودن کل رگرسیون) که کمتر از سطح خطای پنج درصد

است، بنابراین اطمینان از نکویی برآزش و معنادار بودن مدل حاصل شده و رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مک فادن مدل نیز گویای آن است که ۲/۶ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود مثبت، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می شود. در نهایت با توجه به آماره Z و سطح معناداری متغیر دارایی مالیات انتقالی (متغیر مستقل) که کمتر از پنج درصد است، بنابراین دارایی مالیات انتقالی بر مدیریت سود مثبت تاثیر دارد.

نمایه ۴: نتایج آزمون فرضیه ۲

$\beta_4 \text{LN_MV}_{it} + \beta_3 \text{LEV}_{it} + \beta_2 \text{ROA}_{it} + \beta_1 \text{Deferred Tax assets}_{it} + \beta_0 + \text{Negative Earning Management}_{it} = e_{it} + \beta_9 \text{OC}_{it} + \beta_8 \text{IS}_{it} + \beta_6 \text{OCF}_{it} + \beta_7 \text{MO}_{it} + \beta_5 \text{GROW}_{it} ++$			
نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره Z	سطح معنی داری
DTA	۳/۱۶۲۳	۱/۹۶۵۱	۰/۰۴۹۴
ROA	۰/۶۴۸۶-	۱/۴۷۴۸-	۰/۱۴۰۳
OWNERSHIP- CONCENTRATION	۰/۰۰۲۴-	۰/۹۸۱۸-	۰/۳۲۶۲
MANAGEMENT-OWNER	۰/۰۰۱۵-	۰/۷۱۴۸-	۰/۴۷۴۷
LN_MV	۰/۰۹۹۱-	۲/۵۹۹۰-	۰/۰۰۹۳
LEV	۰/۸۴۱۹-	۲/۸۷۵۱-	۰/۰۰۴۰
INSTITUTIONAL- SHAREHOLDE	۰/۰۰۰۱	۰/۰۴۸۱	۰/۹۶۱۶
GROWTH	۰/۰۱۰۲-	۲/۰۲۳۳-	۰/۰۴۳۰
CFO	۰/۰۰۲۸-	۱/۱۴۳۱-	۰/۲۵۳۰
C	۴/۲۱۹۲	۳/۷۲۰۶	۰/۰۰۰۲
ضریب تعیین مک فادن	۰/۰۲۵۶	Log likelihood	-۶۴۶/۷۸۳۰
آماره LR	۳۴/۰۳۲۴	سطح معنی داری	۰/۰۰۰۰
درصد صحت پیش بینی	۶۴/۶۶		

منبع: یافته های پژوهشگر

با توجه به این که متغیر مدیریت سود متغیری مجازی است و به صورت ۰ و ۱ اندازه گیری شده است، بنابراین برای آزمون مدل از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بر اساس نتایج آزمون فرضیه ۲ که در نمایه ۴ ارائه شده است و با توجه به مقدار آماره LR (بیانگر معنادار بودن کل رگرسیون) که کمتر از سطح خطای پنج درصد است، بنابراین در این آزمون نیز اطمینان از نکویی برآزش و معنادار بودن مدل حاصل شده و از اینرو رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مک فادن مدل نیز گویای آن است که ۲/۶ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود منفی، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می شود. در پایان با توجه به آماره Z و سطح

معناداری متغیر دارایی مالیات انتقالی (متغیر مستقل) که بالای پنج درصد است، از اینرو دارایی مالیات انتقالی بر مدیریت سود منفی تاثیر دارد.

نمایه ۵: نتایج آزمون فرضیه ۳

$\beta_4 + \beta_3 LEV_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_1 Deferred Tax Liability_{it} + \beta_0 + Positive Earning Management_{it} = e_{it} + \beta_9 OCF_{it} + \beta_8 IS_{it} + \beta_6 OCF_{it} + \beta_7 MO_{it} + \beta_5 GROW_{it} + LN_MV_{it} +$			
سطح معنی داری	آماره Z	ضریب رگرسیون	نام و نماد متغیر
۰/۱۴۷۳	۱/۴۴۹۰	۱/۶۴۱۸	DTL
۰/۱۱۷۳	۱/۵۶۶۳	۰/۶۹۳۹	ROA
۰/۲۷۰۲	۱/۱۰۲۵	۰/۰۰۲۷	OWNERSHIP- CONCENTRATION
۰/۵۰۹۲	۰/۶۶۰۰	۰/۰۰۱۴	MANAGEMENT-OWNER
۰/۰۱۰۵	۲/۵۵۹۱	۰/۰۹۷۴	LN_MV
۰/۰۰۳۵	۲/۹۱۷۷	۰/۸۵۸۴	LEV
۰/۹۳۰۵	۰/۰۸۷۲	۰/۰۰۰۳	INSTITUTIONAL- SHAREHOLDE
۰/۰۳۲۳	۲/۱۴۱۰	۰/۰۱۰۹	GROWTH
۰/۲۵۳۸	۱/۱۴۱۱	۰/۰۰۲۸	CFO
۰/۰۰۰۲	-۳/۷۷۷۷	-۴/۲۸۶۴	C
-۶۴۸/۶۴۴۷	Log likelihood	۰/۰۲۳۴	ضریب تعیین مک فادن
۰/۰۰۰۰	سطح معنی داری	۳۱/۲۱۱۴	آماره LR
۶۴/۳۰			درصد صحت پیش بینی

منبع: یافته های پژوهشگر

از آنجا که متغیر مدیریت سود متغیری مجازی است و به صورت ۱ و ۰ اندازه گیری شده است، بنابراین برای آزمون مدل از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بر پایه نتایج آزمون فرضیه ۳ که در نمایه ۵ ارائه شده است، و با توجه به مقدار آماره LR (بیانگر معنادار بودن کل رگرسیون) که کمتر از سطح خطای پنج درصد است، بنابراین اطمینان از نکویی برازش و معنادار بودن مدل حاصل شده و رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مک فادن مدل نیز گویای آن است که ۲/۳ درصد از تغییرات متغیر مدیریت سود مثبت، توسط متغیرهای وارد شده در این مدل تبیین می شود. همچنین بر اساس یافته ها و با توجه به آماره Z و سطح معناداری متغیر بدهی مالیات انتقالی (متغیر مستقل) که بیشتر از پنج درصد است، از اینرو بدهی مالیات انتقالی بر مدیریت سود مثبت تاثیری ندارد.

نمایه ۶: نتایج آزمون فرضیه ۴

$\beta_4 + \beta_3 LEV_{it} + \beta_2 ROA_{it} + \beta_1 Deferred Tax Liability_{it} + \beta_0 + Negative Earning Management_{it} = e_{it} + \beta_9 OC_{it} + \beta_8 IS_{it} + \beta_6 OCF_{it} + \beta_7 MO_{it} + \beta_5 GROW_{it} + LN_MV_{it} +$			
نام و نماد متغیر	ضریب رگرسیون	آماره Z	سطح معنی داری
DTL	۱/۶۴۱۸-	۱/۴۴۹۰-	۰/۱۴۷۳
ROA	۰/۶۹۲۹-	۱/۵۶۶۳-	۰/۱۱۷۳
OWNERSHIP- CONCENTRATION	۰/۰۰۲۷-	۱/۱۰۲۵-	۰/۲۷۰۲
MANAGEMENT-OWNER	۰/۰۰۱۴-	۰/۶۶۰۰-	۰/۵۰۹۲
LN_MV	۰/۰۹۷۴-	۲/۵۵۹۱-	۰/۰۱۰۵
LEV	۰/۸۵۸۴-	۲/۹۱۷۷-	۰/۰۰۳۵
INSTITUTIONAL- SHAREHOLDE	۰/۰۰۰۳-	۰/۰۸۷۲-	۰/۹۳۰۵
GROWTH	۰/۰۱۰۹-	۲/۱۴۱۰-	۰/۰۳۲۳
CFO	۰/۰۰۲۸-	۱/۱۴۱۱-	۰/۳۵۳۸
C	۴/۲۸۶۴	۳/۷۷۷۷	۰/۰۰۰۲
ضریب تعیین مک فادن	۰/۰۲۳۴	Log likelihood	-۶۴۸/۶۴۴۷
آماره LR	۳۱/۲۱۱۴	سطح معنی داری	۰/۰۰۰۰
درصد صحت پیش بینی		۶۴/۳۰	

منبع: یافته های پژوهشگر

از آنجا که متغیر مدیریت سود متغیری مجازی است و به صورت ۰ و ۱ اندازه گیری شده است، بنابراین برای آزمون مدل از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بر اساس نتایج آزمون فرضیه ۴ که در نمایه ۶ ارائه شده است و با توجه به مقدار آماره LR (بیانگر معنادار بودن کل رگرسیون) که کمتر از سطح خطای پنج درصد است، بنابراین اطمینان از نکویی برازش و معنادار بودن مدل حاصل شده و رگرسیون قدرت تبیین دارد. ضریب تعیین مک فادن مدل نیز گویای آن است که درصد کمی از تغییرات متغیر مدیریت سود مثبت، توسط متغیرهای وارد شده در مدل تبیین می شود. همچنین بر پایه آماره Z و از آنجا که سطح معناداری متغیر بدهی مالیات انتقالی (متغیر مستقل) بالای پنج درصد است، بنابراین بدهی مالیات انتقالی بر مدیریت سود منفی تاثیر ندارد.

۹- بحث و نتیجه گیری

مالیات های انتقالی ساختاری از گزارشگری مالی است که هدف از حسابداری آن محاسبه اثرات مالیاتی آینده است که به دلیل تفاوت شناخت و اندازه گیری اصول و استانداردهای حسابداری در برابر قانون مالیات به وجود خواهد آمد. بنابراین مالیات های انتقالی نشان دهنده عواقب مالیاتی آینده اقلام و معاملات تجاری است که

در صورت های مالی متفاوت از گزارش مالیات شناسایی شده است. حسابداری مالیات انتقالی نتیجه ای از اصل تطابق است که هدف آن شناخت عواقب مالیاتی یک قلم گزارش شده در صورت های مالی در همان دوره حسابداری است. در حالی که ادبیات مدیریت سود به خوبی توسعه یافته است، استفاده از اقلام مالیاتی انتقالی به عنوان معیار اندازه گیری مدیریت سود تحقیقات بسیار جوان تری است. مدیریت سود یک فعالیت مدیریتی برای تأثیرگذاری در صورت های مالی است که از طریق دستکاری داده های مالی یا گزینش رویه های حسابداری و فرآیند های پذیرفته شده است که جهت دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده صورت می گیرد. طرح پژوهش این مطالعه پیرامون اقلام مالیات های انتقالی بنگاه اقتصادی متمرکز گردید، زیرا نویسندگان بر این باورند که بررسی و تجزیه و تحلیل اقلام مالیات انتقالی راه و روشی نیرومند برای شناسایی مدیریت سود است. در ادبیات پیشین نتایج متناقضی در رابطه با مالیات های انتقالی و مدیریت سود ارائه شده است. در این پژوهش تلاش گردید که با بررسی مفاهیم مربوط به مالیات های انتقالی، به تأثیر به کارگیری آنها در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده بنگاه اقتصادی جهت مدیریت سود پرداخته شود. تحقیقات دانشگاهی یک ابزار مهم برای تدوین کنندگان استاندارد و سیاست گذاران است زیرا می تواند شواهد سودمندی برای آگاهی بخشیدن به بحث و روند تصمیم گیری درباره مسائل گزارشگری مالی فراهم کند. براین اساس هدف این بررسی کمک به سیاست گذاران و تدوین کنندگان استانداردهای حسابداری و همچنین بازیگران بازار سرمایه برای درک بیشتر تأثیرات ناشی از به کارگیری مالیات های انتقالی بر سلامت گزارش های مالی است. دستاورد این پژوهش می تواند مورد توجه استفاده کنندگان صورت های مالی باشد که در مورد پرداخت مالیات و سود آتی یک شرکت پیش بینی می کنند. در پژوهش کنونی برای بررسی اینکه آیا شرکت های نمونه آماری به وسیله اقلام مالیات انتقالی در مدیریت سود مشارکت دارند، فرضیه هایی تدوین شد که شرح و تفسیر نتایج آن به شرح زیر است:

نتایج آزمون فرضیه نخست نشانگر این بود که دارایی های مالیات انتقالی بر مدیریت سود تأثیرگذار بوده ولی نتایج آزمون دوم بیانگر این بود که بدهی های مالیات انتقالی بر مدیریت سود تأثیر ندارد. همانگونه که در مبانی نظری اشاره شد تفاوت های مالیات دفتری برای بررسی مدیریت سود و مدیریت مالیات مناسب هستند. این تفاوت ها موجب ایجاد دارایی یا بدهی مالیات انتقالی می گردد که می تواند به عنوان ابزاری جهت مدیریت سود به کار گرفته شود. با توجه به این فرض که مدیران ترجیح می دهند بدون افزایش سود مشمول مالیات، سود دفتری را به سمت بالا مدیریت کنند، بنابراین به کارگیری اختیارات مدیریتی برای مدیریت سود به سمت بالا باید تفاوت های مالیات دفتری موقت ایجاد کند و از این رو مالیات انتقالی در شناسایی چنین مدیریت سودی سودمند خواهد بود (فیلیپس و همکاران، ۲۰۰۲). دلیل احتمالی که مدیران نمی خواهند سود مشمول مالیات را افزایش دهند این است که این امر منجر به افزایش هزینه های مالیاتی خواهد شد. شکاف فزاینده بین این دو گزارش، منجر به افزایش مبلغ مالیات انتقالی در ترازنامه مالی می شود. تانگ (۲۰۱۴) نشان داد که وقتی همسویی مالیات دفتری زیاد است، مدیریت سود کمتری اتفاق می افتد. بر

این اساس هنگامی که میان سود حسابداری و سود مشمول مالیات تفاوت وجود دارد، این تفاوت (شامل دارایی یا بدهی مالیات انتقالی) سبب مدیریت سود می‌گردد. مالیات انتقالی انگیزه‌های بیشتری برای نهادهای اقتصادی ایجاد می‌کند تا شناسایی سود خود را پیرامون تغییرات مالیات مجدداً زمانبندی کنند. این امر ممکن است به نوبه خود بر درآمد مالیاتی تأثیر بگذارد. وقتی برنامه ریزی می‌شود نرخ مالیات کاهش یابد، شرکت‌هایی که دارایی‌های مالیات انتقالی زیادی دارند، انگیزه‌ای برای تسریع در شناخت درآمد برای استفاده از مزایای مالیات انتقالی با نرخ بالای مالیات کنونی دارند. بر همین اساس فرضیه نخست پژوهش یعنی به کارگیری دارایی‌های مالیات انتقالی جهت مدیریت سود تأیید گردید ولی شواهدی از به کارگیری بدهی‌های مالیات انتقالی برای مدیریت سود مشاهده نگردید که این یافته با پژوهش تیموریانا و همکاران (۲۰۱۵) که نشان دادند دارایی‌های مالیاتی انتقالی بر مدیریت سود تأثیر دارد ولی هزینه مالیات انتقالی تأثیری بر مدیریت سود ندارد، همخوانی دارد. همچنین حکیم و سوگنگ (۲۰۱۵) نشان دادند که دارایی و بدهی مالیات انتقالی تأثیر قابل توجهی بر مدیریت سود دارد. ایفادا و ولانداری نیز (۲۰۱۵) دریافتند که مالیات‌های انتقالی به طور قابل توجهی بر مدیریت سود تأثیر می‌گذارد و همچنین بررسی‌های حکیم و سوگنگ (۲۰۱۵) نشان داد که دارایی‌های مالیات انتقالی و هزینه مالیات انتقالی تأثیر قابل توجهی بر مدیریت سود دارد. یافته‌های نگارا و دارما (۲۰۱۷) حاکی از آن بود که برنامه ریزی مالیاتی و هزینه مالیات انتقالی تأثیر مثبتی بر مدیریت سود داشته است. از اینرو نتایج این مطالعات با توجه به تأیید اثرگذاری دارایی مالیات انتقالی بر مدیریت سود با پژوهش حاضر همسویی داشته ولی در بخش تأثیر بدهی مالیات انتقالی بر مدیریت سود ناسازگار است. آماندا و مریسکا (۲۰۱۵) نشان دادند که هزینه مالیات جاری بر مدیریت سود تأثیر دارد در حالی که هزینه مالیات انتقالی و مبنای تعهدی تأثیری بر مدیریت سود ندارد و نتیجه پژوهش اوتامی و مالک (۲۰۱۵) نشان می‌دهد که اقلام تعهدی اختیاری، هزینه‌های مالیات انتقالی و هزینه‌های جاری مالیاتی تأثیری بر مدیریت سود ندارند. بنابراین این مطالعات با نتایج فرضیه دوم همسو ولی با دستاورد فرضیه نخست این پژوهش ناسازگار است.

با توجه به الزام به کارگیری استاندارد ۳۵ سازمان حسابرسی با نام مالیات بر درآمد از سال ۱۳۹۹، در پژوهش حاضر برای اندازه‌گیری دارایی و بدهی مالیات انتقالی، صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه از سال ۱۳۹۵ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی و بازبینی قرار گرفت تا میزان واقعی دارایی و بدهی مالیات انتقالی شرکت‌های مورد مطالعه به دست آید. از اینرو با توجه به سپری شدن سال‌های بیشتر از زمان الزامی شدن اجرای استاندارد جدید مالیات بر درآمد و دسترسی ساده‌تر به میزان دارایی و بدهی مالیات انتقالی شناسایی شده در صورتهای مالی، به پژوهشگران این حوزه پیشنهاد می‌گردد که با توجه به آشنایی بیشتر حسابداران با کاربرد و مفهوم مالیات‌های انتقالی تعداد سال‌های بیشتری این مطالعه را بررسی نموده و به مقایسه نتایج بدست آمده با پیامدهای مطالعات گذشته بپردازند. همچنین به دوستداران این حوزه مطالعاتی پیشنهاد می‌گردد با توجه به استاندارد جدید مالیاتی که برگرفته از IAS شماره ۱۲ می‌باشد و پیرو پژوهش‌های گذشته همچون مطالعات

بلیلاک و همکاران (۲۰۱۴) و تانگ (۲۰۱۴) تاثیر همسویی مالیات دفتری را بر مدیریت سود جهت درک بهتر رفتار مالیاتی و تاثیر آن بر عملکرد مالی بنگاه‌های اقتصادی را مورد سنجش و بررسی قرار دهند. همچنین به رفتار دیگر بازیگران بازارهای مالی همچون سهامداران، سرمایه‌گذاران، اعتبار‌دهندگان، دولت و سایر ذینفعان در قبال شناسایی مالیات‌های انتقالی بنگاه‌های اقتصادی بپردازند.

منابع

- ۱) تاری وردی، یداله، مراد زاده فرد، مهدی و رستمی، مریم، ۱۳۹۳. تاثیر مدیریت سود بر دقت پیش‌بینی جریان‌های نقدی عملیاتی آتی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۶(۲۱)، صص. ۱۷۲-۱۴۱.
- ۲) حساس یگانه، یحیی و رضایی، شهروز، ۱۳۹۷. مدلی برای تاثیر مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های مدیریت مالیات شرکت بر اجتناب و فرار مالیاتی. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۵(۵۸)، صص. ۵۸-۲۷.
- ۳) رهنمای رود پستی، فریدون، دیبانی دبلمی، زهرا و فخاری، فاطمه السادات، ۱۳۹۶. نرخ موثر مالیاتی نقدی معیار سنجش اجتناب مالیاتی یا مدیریت سود افزایشی؟ پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۷)، صص. ۹۳-۱۱۶.
- ۴) صادق پور، حسن، بنی مهد، بهمن، مرادزاده فرد، مهدی و همتی، بهرام، ۱۴۰۰. نقش ماکیاولیسم، دستکاری هیجانی و تسلط اجتماعی در بیش‌نمایی سود: آزمون نظریه سلسله مراتب ارشد. فصلنامه بورس اوراق بهادار، ۱۴(۵۶)، صص. ۲-۱.
- ۵) فداکار، سیدمهدی، فغانی ماکرانی، خسرو و ذبیحی، علی، ۱۳۹۸. تبیین الگویی برای مدیریت سود در شرکت‌های ورشکسته و مقایسه آن با مدل اصلاح شده جونز. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۳)، صص. ۱۷۶-۱۵۳.
- ۶) قوت مند جزی، عبدالمجید، عرب مازار یزدی، محمد و صفرزاده، محمدحسین، ۱۴۰۱. شناسایی تاثیر مدیریت سود بر معیارهای اجتناب مالیاتی و اهمیت آن برای مطالعات اجتناب مالیاتی. پیشرفت‌های حسابداری، ۱۴(۱)، صص. ۲۷۶-۲۳۹.
- ۷) کرباسی یزدی، حسین و راسخ صالح، سمن، ۱۳۹۲. رابطه اختلاف میان سود حسابداری و سود مأخذ محاسبه مالیات با رشد و پایداری سود. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۵(۲۰)، صص. ۲۳۶-۲۰۳.
- ۸) مشایخی، بیبا و علی پناه، صبری، ۱۳۹۴. تاثیر راهبری شرکتی بر رابطه‌ی بین اجتناب از مالیات و ارزش شرکت. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۷(۲۵)، صص. ۷۰-۵۵.
- 9) Amir, A. and Siddiqui, D.A., 2023. The Impact of Deferred Tax on Value Relevance, Earning Management, and Company Profitability of the Financial and Automobile Sector of Pakistan. [Online]. www.ssrn.com: <https://ssrn.com/abstract=4432252>.

- 10) Amanda, F. and Meiriska, F., 2015. Analisis Pengaruh Beban Pajak Kini, Beban Pajak Tangguhan, Dan Basis Akrual Terhadap Manajemen Laba. *Jurnal ULTIMA Accounting* 7(1), pp.70–86. doi: 10.31937/akuntansi.v7i1.83.
- 11) Amir, E., Kirschenheiter, M. and Willard, K., 1997. The valuation of deferred taxes. *Contemporary Accounting Research*, 14 (4), pp. 597–622.
- 12) Amir, E. and Sougiannis, T., 1999. Analysts' interpretation and investors' valuation of tax carryforwards. *Contemp. Acc. Res.* 16 (1), pp. 1–33.
- 13) Antonius, R. and Tampubolon, L. D., 2019. Analisis penghindaran pajak, beban pajak tangguhan, dan koneksi politik terhadap manajemen laba. *Jurnal Akuntansi, Keuangan, Dan Manajemen*, 1(1), pp. 39–52. <https://doi.org/10.35912/jakman.v1i1.5>.
- 14) Chludek, A.K., 2011. The Impact of Deferred Taxes on Firm Value. Cologne Graduate School in Management, Economics and Social Sciences University of Cologne.
- 15) Ayers, B.C. Laplante, S.K. and McGuire, S.T., 2010. Credit ratings and taxes: The effect of book–tax differences on ratings changes. *Contemporary Accounting Research* 27(2), pp. 359–402.
- 16) Ayers, B.C. Jiang, J. and Laplante, S.K., 2009. Taxable income as a performance measure: The effects of tax planning and earnings quality. *Wiley Online Library*, 26(1), pp. 15–54.
- 17) Ayers, B.C., 1998. Deferred tax accounting under SFAS No. 109: An empirical investigation of its incremental value-relevance relative to APB No. 11. *The Accounting Review*, 73 (2), pp. 195–212.
- 18) Blaylock, B., Gaertner, F. and Shevlin, T., 2015. The association between book-tax conformity and earnings management, *Review of Accounting Studies*, pp. 141–172.
- 19) Bunaca, R. A., and Nurdayadi., 2019. The Impact of Deferred Tax Expense and Tax Planning Toward Earnings Management and Profitability. *Business and Accounting Journal* P-ISSN: 1410 –9875, E-ISSN: 2656 –9154, 21 (2), pp. 36–215.
- 20) Chakroun, S. and Anis, B.A., 2019. The Study of The Impact of Earnings Management on Financial Performance in The Euro-Continental Accounting Model: Evidence From France. *Journal of Colloque International: Nouvelles Perspectives de Recherche en Finance à l'ère de la transformation digitale*, Hammamet, Avril 2019.
- 21) Chandra, U., and Ro, B.T., 1997. The association between deferred taxes and common stock risk. *Journal of Accounting and Public Policy* 16 (1), pp. 6–13.
- 22) Chang, C., Herbohn, K. and Tutticci, I., 2009. Market's perception of deferred tax accruals. *Accounting and Finance* 49 (4), pp. 645–673.
- 23) Chattopadhyay, S., Arcelus, F.J. and Srinivasan, G., 1997. Deferred Taxes and Bond Ratings: a Canadian Case. *Journal of Business Finance & Accounting* 24 (3&4), pp 541–557.
- 24) Chen, L.H., Dhaliwal, D.S. and Trombley, M.A., 2012. Consistency of book-tax differences and the information content of earnings. *Journal of the American Taxation Association* 34(2), pp. 93–116.
- 25) Chen, K.C.W., and Schoderbek, M.P., 2000. The 1993 Tax Rate Increase and Deferred Tax Adjustments: A Test of Functional Fixation. *Journal of Accounting Research* 38 (1), pp. 23–44.
- 26) Chludek, A.K., 2011. The Impact of Deferred Taxes on Firm Value, Three Empirical Studies on the Cash Flow and Value Relevance of Deferred Taxes and Related Disclosures. Cologne Graduate School in Management, dissertation to obtain the doctoral degree, Economics and Social Sciences University of Cologne.

- 27) Citron, D.B., 2001. The Valuation of Deferred Taxation: Evidence from the UK Partial Provisio Approach. *Journal of Business Finance & Accounting* 28 (7&8), pp. 821-852.
- 28) Earnhart, D. Lizal L., 2006. Effects of Ownership and Financial Performance on Corporate Environmental Performance. *Journal of Comparative Economics*. Vol. 34, pp. 111-129.
- 29) Frank, M. M., Lynch, L. J. and Rego, S. O., 2009. Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting. *Accounting Review*, 84, pp. 467-496.
- 30) Frank, M.M. and S.O. Rego., 2006. Do Managers Use the Valuation Allowance Account to Manage Earnings Around Certain Earnings Targets? *Journal of the American Taxation Association* 28 (1), pp. 43-65.
- 31) Goldman, N. C., Lewellen, C. and Schmidt, A. P., 2022. Evidence on Firms' Use of Subjective Evidence When Estimating the Deferred Tax Asset Valuation Allowance. SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4244914> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4244914>.
- 32) Graham, J. R., and Leary, M. T., (2011). A review of empirical capital structure research and directions for the future. *Annual Review of Financial Economics*, 3, pp. 309-45. Retrieved from <http://ssrn.com/abstract=1729388> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.1729388>.
- 33) Graham, J. R., and Tucker, A. L., 2006. Tax shelters and corporate debt policy. *Journal of Financial Economics*, 81(3), pp. 563-594.
- 34) Graham, J.R., Raedy, J. S. and Shackelford, D.A., 2011. Research in Accounting for Income Taxes. Working Paper.
- 35) Hakim, A. R., and Sugeng, P., 2015. Pengaruh Aktiva Pajak Tangguhan dan Beban Pajak Tangguhan Terhadap Manajemen Laba. *Jurnal Ilmu dan Riset Akuntansi*, 4(7), pp.1-15.
- 36) Haller, A., Löffelmann, J.V., Beiersdorf, K., Bolin, M., Etzel, B., and Haussmann, K., 2008. Rechnungslegung aus Sicht von Kreditinstituten als Rechnungslegung saddressaten Empirische Ergebnisse und Implikationen für die Entwicklung der Nationalen und Internationalen Rechnungslegung snormen für Mittelständische Unternehmen. Berlin, Germany: DRSC.
- 37) Hanlon, M., Krishnan, G.V. and Mills, L.F., 2012. Audit Fees and Book-Tax Differences. *The Journal of the American Taxation Association* 34(1), pp. 55-86.
- 38) Hanlon, M. and Shevlin, T., 2005. Book-tax conformity for corporate income: An introduction to the issues. *Tax Policy and the Economy* 19, pp. 101-134.
- 39) Huss, F.H., and Zhao, J., 1991. An investigation of alternative treatments of deferred taxes in bond raters' judgment. *Journal of Accounting, Auditing and Finance*, pp. 53-73.
- 40) Ifada, L. M., and Wulandari, N., 2015. The effect of deferred tax and tax planning toward earnings management practice: an empirical study on nonmanufacturing companies listed in Indonesia stock exchange in the period of 2008-2012. *International Journal of Organizational Innovation*, 8(1), pp. 155-170.
- 41) Phillips, J., Pincus, M. and Rego, S.O., 2003. Earnings Management: New Evidence Based on Deferred Tax Expense. *The Accounting Review*, 78(2), pp. 491-521 (31 pages). Published By: American Accounting Association.
- 42) Kahle, K. M., and Shastri, K., 2005. Firm performance, capital structure, and the tax benefits of employee stock options. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 40, pp. 135-160.
- 43) Kumar, J., 2003. Does Ownership Structure Influence Firm value? Evidence form India. Working paper. [Online]. www.ssrn.com
- 44) Kovermann, J. and Velte, P., 2021. Net Deferred Tax Assets and the Long-Run Performance of Initial Public Offerings. SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3755460>.

- 45) Laux, R.C., 2013. The association between deferred tax assets and liabilities and future tax payments. *The Accounting Review* 88(4), pp. 1357-1383.
- 46) Legoria, J. Sellers, K.F., 2005. The analysis of SFAS No. 109's usefulness in predicting future cash flows from a conceptual framework perspective. *Research in Accounting Regulation* 18, pp. 143-161.
- 47) Leuz, C., Nanda, D. and Wysocki, P.D., 2003. Earnings Management and Investor Protection: An International Comparison. *Journal of Financial Economics*, 69(3), pp. 505-27.
- 48) Lev, B. and Nissim, D., 2004. Taxable income, future earnings, and equity values. *The Accounting Review* 79 (4), pp. 1039-1074.
- 49) Lisowsky, P., 2010. Seeking Shelter: Empirically Modeling Tax Shelters Using Financial Statement Information. *The Accounting Review*, pp. 1693-1720.
- 50) Lisowsky, P., 2009. Inferring U.S. Tax Liability from Financial Statement Information. *The Journal of the American Taxation Association* 31 (1), pp. 29-63.
- 51) Mulyani, N., Kartika, H. T. and Riana, R. D., 2018. The Effect of Tax Planning and Deferred Tax Expense on Earnings Management on Manufacturing Companies Listed In The Indonesia Stock Exchange. *The 2nd International Conference On Technology, Education, and Social Science* 2018.
- 52) Negara, A. A., Dharma, I.D.G., 2017. Pengaruh Perencanaan Pajak dan Beban Pajak Tangguhan Terhadap Manajemen Laba. *E-Jurnal Akuntansi Universitas Udayana*. Vol. 20.
- 53) Okafor, Tochukwu Gloria (Phd) et al., 2018. Effect of Earnings Management on Performance of Corporate Organisation in Nigeria. *International Journal of Business Management and Economic Review* Vol.1 No. 03 2018.
- 54) Phillips, J., Pineus, M. and Rego, S., 2003. Earnings management: New evidence based on deferred tax expense. *Acc. Rev.* 78 (2), pp. 491-521.
- 55) Raedy, J. S., Seidman, J. and Shackelford, D.A., 2011. Is there Information Content in the Tax Footnote? Working Paper.
- 56) Rose, C., 2005. Managerial Ownership and Firm Performance in Listed Danish Firms: In Search of the Missing Link. *European Management Journal*. Vol. 23, pp. 542-553.
- 57) Shivdasani, A., and Stefanescu, I., 2010. How do pensions affect corporate capital structure decisions? *Review of Financial Studies*, 23, pp. 1287-1323.
- 58) Sihombing, N., Enggat, D.P.A. and Muhammad, G., 2020. Effect of Tax Planning and Profitability on Earning Management With Firm Size As Moderating Variabel At Companies Listed on the Indonesia Stock Exchange in 2013 -2018 Period. *Accounting and Finance Journal* P-ISSN: 2715 -5722, E- ISSN: 2460 -6235.
- 59) Tang, T. and Firth, M., 2011. Can book-tax differences capture earnings management and tax management? Empirical evidence from China. *The International Journal of Accounting* 46(2), pp. 175-204.
- 60) Tang, T.Y.H., 2015. Does Book-Tax Conformity Deter Opportunistic Book and Tax Reporting? An International Analysis, *European Accounting Review*, pp. 441-469.
- 61) Timuriana, T., Dan, R. and Rizki, M., 2015. "Describe the Effect of Deferred Tax Expense on Earnings Management in Manufacturing Companies in Indonesia Stock Exchange". *Jurnal Ilmiah Akuntansi Fakultas Ekonomi* 1(2), pp. 12-20.
- 62) Utami, A. P. and Malik., 2015. "Pengaruh Discretionary Accrual, Beban Pajak Tangguhan Dan Beban Pajak Kini Terhadap Manajemen Laba (Studi Pada Perusahaan Manufaktur Bidang Makanan Dan Minuman Bursa Efek Indonesia 2009-2013)." *Jurnal Akuntansi* 1(2), pp. 44-64.

- 63) Wilson, R. J., 2009. An Examination of corporate tax shelter participants. *The Accounting Review*, 84, pp. 969–99.
- 64) Xue, Y., 2022. Does an abnormal change in deferred tax assets interfere with analysts' earnings forecasts?. *China Journal of Accounting Research*. 15 (3), pp. 23–43.
- 65) Yulianti., 2005. Kemampuan Beban Pajak Tangguhan Dalam Mendeteksi Manajemen Laba, *Jurnal Akuntansi dan Keuangan Indonesia*, 2(1), pp. 107–129.
- 66) Zain, M., 2007. *Manajemen Perpajakan Edisi 3*. Jakarta: Salemba Empat.



Abstract

<https://doi.org/10.30495/faar.2023.1998214.3743>

Earnings Management Model by Using Deferred Tax Asset and Deferred Tax Liability Strategies

Vahid Tavasoli¹
Yadollah Tariverdi²

Received: 07 / December / 2023 Accepted: 29 / January / 2024

Abstract

According to agency theory, the government and business enterprises have different interests in paying taxes. The motivation for using deferred tax asset and liability to identify earnings management is that there is usually more discretion in generally accepted accounting principles than in tax laws. Managers may have an incentive to increase income in the financial statements without increasing income in the tax report. A possible reason why managers do not want to increase taxable income is that this will lead to an increase in tax costs. Therefore, one of the things that probably affects the earnings management is deferred taxes.

The aim of the research is to investigate whether the deferred taxes resulting from the financial statements reported based on accounting standard 35 as a strategy for managers to achieve earnings management or not. To achieve the goal of the research, the data of 169 sample companies from the Tehran Stock Exchange, were collected using the systematic elimination approach and were analyzed using the method of descriptive-correlation analysis by performing logistic regression test. The findings showed that the deferred tax assets have an effect on earnings management, but deferred tax liabilities have no effect on earnings management. The obtained results indicate that managers use deferred tax assets to manipulate earnings.

Keywords: earnings management, deferred tax asset, deferred tax liability

¹ Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran, Acc.Vahid.T@Gmail.Com

² Department of Accounting, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author), Tariverdi76@yahoo.com